



مبای‌ی ادراکی قرآن بهترین منبع برای تدوین دستگاه فلسفه اسلامی است

منوچهر صدوقی سها با بیان اینکه در قرآن سی تا چهل مبدا ادراکی در عرض عقل وجود دارد، گفت: با توجه به این مسأله و ظرفیت موجود می توانیم دستگاه فلسفه اسلامی را بسازیم.

منوچهر صدوقی سها با بیان اینکه در قرآن سی تا چهل مبدا ادراکی در عرض عقل وجود دارد، گفت: با توجه به این مسأله و ظرفیت موجود می توانیم دستگاه فلسفه اسلامی را بسازیم.

منوچهر صدوقی سها، محقق فلسفه و عرفان اسلامی در گفتگو با خبرنگار مهر با بیان اینکه اساسا تاریخ فلسفه از تاریخ فلاسفه جداست، گفت: یک تاریخ فلسفه داریم و یک تاریخ فلاسفه که متأسفانه در ایران این دو با یکدیگر مخلوط اند و الان متنی نیست که بتوانیم در حوزه تاریخ فلسفه ارائه کنیم و متأسفانه سنتی بنام تاریخ فلسفه و تاریخ فلاسفه نداشته ایم.

وی در ادامه خبر از اتمام مراحل نگارش کتاب خود در راستای تحقق مسأله مذکور با عنوان «پدیدارشناخت تاریخ استعلایی فلاسفه اسلامی» داده و تصریح کرد: این کتاب که در قالب سه جلد سامان یافته است به به شکلی مفصل مستشرقان در دروره زمانی دویست تا سیصد سال قبل تا زمان قبل از مرحوم کربن را بررسی و معرفی می کند.

صدوقی سها افزود: مع الوصف همه می گفتند در اسلام فلسفه نیست و البته از یک بعد درست می گفتند چرا که اعتقادشان بر این بود چیزی که مربوط به فسه اسلامی است همان یونانیات بوده و تنها ترجمه به عربی شده و از راست نوشته شده است اما یونانیان همان مطلب را از چپ نوشتند البته این نظر به یک معنا درست است.

وی ادامه داد: این نظامی که معروف به فلسفه اسلامی شده و متن عمده اش را «شفا» و «اسفار» تشکیل می دهد را نهایتا می توانیم فلسفه اسلامی به معنای اعم بنامیم چراکه این فلسفه به یک تعبیر فلسفه محیط اسلامی، مملکت اسلامی، جغرافیای اسلامی است و مطلقا چنین نیست که شفا و اسفار را یک طرف بگذارید و علامت تساوی هم قرار داده و آن طرف علامت تساوی اسلام را بگذاریم یعنی مطلقا ممکن نیست که مثلا بنویسیم شفا و اسفار مساوی با اسلام است.

صدوقی سها با بیان اینکه فلسفه فعلی که معروف به فلسف اسلامی شناخته می شود اساسا در اسلام نبوده است، تصریح کرد: این فسه فعلی در واقع یونانی است البته با ورود به جهان اسلام کمال یافت و کارهای زیادی بر آن انجام شد لذا عمدتا مبانی همان که از یونان آمد در حالی که در خود اسلام در قبال چنین مسائلی حرف است و برای مثال در خود قرآن کریم و احادیث برترین مسایل فکری راجع به جهان است و هیچ ربطی هم به یونانیت ندارد و در این بین این ما هستیم که از این مسائل خبری نداریم و یونانیات را به زبان عربی یا نهایت زبان اسلامی تبدیل کرده ایم و اسم آن را فلسفه اسلامی گذاشته ایم لذا من معتقد نیستم که چنین روندی را به عنوان فسه اسلامی ترویج کنیم.

این محقق و نویسنده کشورمات گفت: اساسا هر فن علمی سه مسأله دارد که شامل «موضوع»، «مسائل» و «مبای‌ی»، است، با در نظر داشت این سه عنصر موضوع فلسفه در تمام عالم «وجود» است از جمله فلسفه اسلامی که آن هم موضوع اش وجود است. بنابراین فلسفه چه اسلامی باشد و چه اسلامی نباشد «وجود» موضوع اش است، حال در این بین هر موضوع هم مسائلی دارد و مسائلی که در فلسفه یونان عنوان شد اندک بود وقتی وارد جهان اسلام شد دو تا سه برابر شد.

وی با بیان اینکه مسائل از یونان ترجمه و برای مثال دو جلد کتاب یونانی با ورود به جهان اسلام هشت جلد شد، افزود: ما حتی به این ترجمه ها و ابداعاتی که در ممالک اسلامی انجام شد نمی توانیم فلسفه اسلامی بگوییم چرا که فلسفه اسلامی فلسفه ای است که مبتنی بر مبای‌ی اسلامی باشد از این نظر که هر علمی مبای‌ی دارد و منظور از مبای‌ی یعنی مبای‌ی برهان.

صدوقی سها عنوان کرد: برای مثال مبدا فلسفه رسمی تنها عقل است اما در فلسفه اسلامی شاید سی مبدا ادراک باشد، مثلا در قرآن سی تا چهل مبدا ادراکی در عرض عقل وجود دارد، بنابراین با توجه به این مساله و ظرفیت اگر یک دستگاه فلسفی بسازیم که مبتنی بر آن مبای‌ی و نه صرفا عقل باشد می توانیم اسم اش را فلسفه اسلامی بگذاریم که متأسفانه چنین چیزی نداریم و نه «شفا» و نه «اسفار» که معروف اند و متن ممتاز فلسفه اسلامی هستند هیچ کدام به آن معنا اسلامی نیستند و اسلامیت شان به آن است که به زبان عربی نوشته شده اند.